

هفته نامه دانش آموزی ۳۵

پیکر

# فرصت های شیرین



## فهرست مطالب

مادر برایم بگو.....	۳
شعر.....	۴
خاطره دوست داشتنی ام.....	۵
معرفی کتاب.....	۶
حدیث.....	۷
معما.....	۸
علی را ببخش.....	۹
سفر به نجف.....	۱۰
جدول.....	۱۱
نقاشی.....	۱۲
حریف می طلبم.....	۱۳
دلنوشته.....	۱۴
حدیث.....	۱۴

## پدید آورندگان

یسنا مهری، شمیم ابوترابی، نیکی شوشتری،  
ثمین حصارکی، نرگس متولی الموتی، فاطمه  
پیروز، فاطمه سادات شیرازی، فاطمه ثمین  
کاهه، زهرا توحیدلو، پریاپورسنگ، نازنین زینب  
حیدری، ضحی فلاحتی

سردبیر و طراح: واحد فرهنگی دبستان تزکیه

## مادر برایم بگو

در یک روز پاییزی زهرا نزد مادر رفت و گفت  
مادر امروز در مدرسه شعری آموختیم که چگونه امام علی علیه السلام با  
سخاوت مندی در نماز به مسکین انگشتر خود را دادند  
اما من دوست دارم این داستان را از زبان شما هم بشنوم چون با گفتار شما  
من بهتر متوجه می شوم  
مادر گفت: دخترم روزی امام علی علیه السلام در حال نماز خواندن بودند  
مسکینی وارد مسجد شد و کنار ایشان ایستاد. امام با اشاره به او گفتند  
انگشتر را بردار و برو  
دخترم امام علی علیه السلام انسان بسیار باشخصیت و ساده زیستی  
بودند مردم را به خداپرستی دعوت می کردند و به نیازمندان و فقرا کمک  
زیادی می کردند  
زهرا محکم مادر را بغل کرد و گفت : من اطلاعات زیادی از شما دریافت  
کردم خیلی ممنونم

پریاپورسنگ / پایه پنجم

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را  
 که به ماسوا فکندی همه سایه هما را  
 دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین  
 به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
 به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند  
 چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را  
 مگر ای سحاب رحمت تو بیاری ارنه دوزخ  
 به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را  
 برو ای گدای مسکین در خانه علی زن  
 که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را  
 بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من  
 چو اسیر تست اکنون به اسیر کن مدارا  
 بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب  
 که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
 چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان  
 چو علی که میتواند که بسر برد وفا را  
 نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت  
 متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را  
 بدو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت  
 که ز کوی او غباری به من آر توتیا را  
 به امید آن که شاید برسد به خاک پایت  
 چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را  
 چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان  
 که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را  
 چه زخم چونای هر دم ز نوای شوق او دم  
 که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا  
 همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی  
 «به پیام آشنائی بنوازد آشنا را  
 ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب  
 غم دل به دوست گفتن چه خوشست شهریارا



نرگس متولی الموتی / پایه سوم

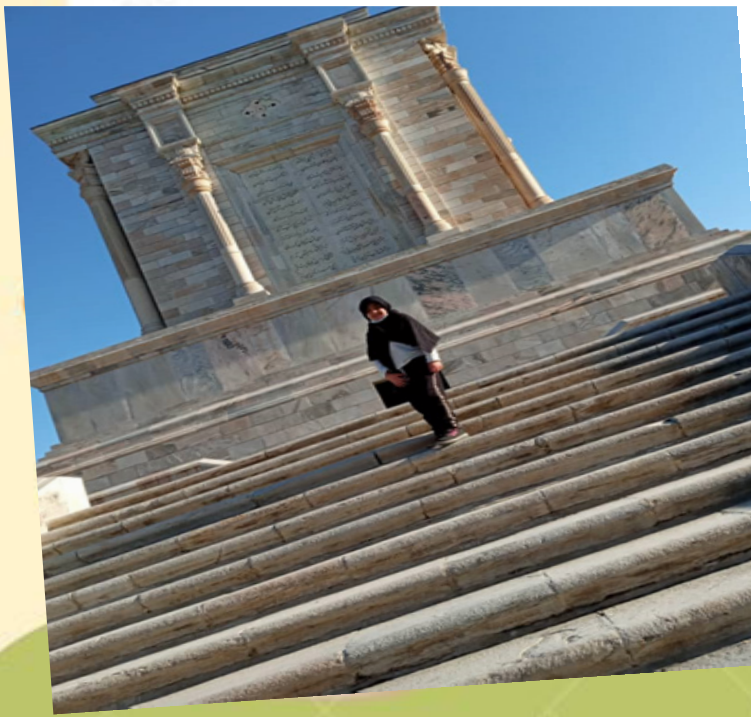
شاعر: شهریار

## خاطره دوست داشتنی ام



تازه درس فردوسی رو خوانده بودیم و روز تدریس بچه هایی که به آرامگاه فردوسی رفته بودند. از بقیه تو کلاس انلاین بیشتر حرف می زدند و من حرفی برای گفتن نداشتم. از اون روز به بعد همش از آرامگاه فردوسی و شاهنامه و طوس مشهد از پدرم سوال می کردم. بزرگترین آرزوی من شده بود رفتن به طوس

بالاخره قسمت شد نزدیک شهادت حضرت زهرا (س) بریم مشهد. خیلی وقت بود، از درس فردوسی گذشته بود و من فراموش کرده بودم طوس نزدیک مشهد است. بعد از دو روز که تو مشهد بودیم موقع برگشت پدرم گفت ثمین جان اینجا کجاست یکم به دو رو برم نگاه کردم آره خودش بود مثل عکس تو کتاب آرامگاه فردوسی ان قدر بابام و بغل کردم و بوس کردم که نگو و نپرس



ثمین حصارکی / پایه دوم

## معرفی کتاب

دوستان خوبم می خواهیم به شما کتابهایی در مورد امام علی  
علیه السلام معرفی کنم

نبرد با ناکثین (در مورد جنگ جمل) / نویسنده سید مهدی  
ایت الهی

نبرد با قاسطین (در مورد جنگ صفین) / سید مهدی ایت  
الهی

هفت حکایت از بچه ها و حضرت علی علیه السلام /  
نویسنده مصطفی رحماندوست

علی از زبان علی (در مورد زندگی حضرت) / نویسنده دکتر  
سید جعفر شهیدی

فاطمه پیروز / پایه پنجم



## حدیث



یسنامهری / پایه اول

## معما



آن چیست سخت است ولی سنگ نیست، تخم می گذارد  
و مرغ نیست، چهار پا دارد و سگ نیست؟

آن چیست که در چشم و گوش هست ولی در  
دهان نیست؟

کدام گیاه است که اگر نصفش کنی نیم آن لنگ و  
نیمه دیگر آن غصه است؟

فاطمه ثمین گاههء/پایه دوم





## علی را ببخش



روزی در کوچه های کوفه به تنهایی راه میرفت؛ در کمال سادگی با نرمی و آرامش همه جا را زیر نظر داشت چون مسئول بود و نقش رهبریت جامعه را ایفا میکرد در راه زنی را ملاحظه فرمودید که مشکی آب بر دوش دارد واز نفس افتاده به آرامی نزدیک آمد و آن زن را خسته و رنجیده خاطر یافت، مشک آب را بر دوش گرفت تا زن کمی استراحت کند

در راه جویای احوال آن زن شد زن عرضه داشت شوهرم در یکی از جنگ ها در سپاه علی بن ابیطالب شهید شد، حال من و چند کودک یتیم بدون سرپرست مانده و آهی در بساط نداریم امام علی علیه السلام برگشت و تا سپیده دم به ناراحتی گذراند

صبح زنبیل طعامی با خود برداشت و به طرف خانه زن روان شد بین راه کسانی از حضرت درخواست کردند زمین را بدهید ما حمل کنیم حضرت فرمود: **روز قیامت اعمال ما را چه کسی به دوش میگیرند؟** به خانه آن زن رسید در زد، پرسید کیست: حضرت جواب دادند کسی که دیروز تو را کمک کرد و مشکل آب را به خانه تو رساند برای کودکان طعامی آورده در را باز کن. زن گفت خداوند از تو راضی شود و بین من و علی بن ابی طالب، خودش حکم کند حضرت وارد شد و به زن فرمود: نان می پزی یا از کودکان نگهداری می کنیم زن گفت من در پخت نان توانا ترم شما کودکان را نگه دار، زن آرد را خمیر نمود و امام گوشتی را که به همراه آورده بود کباب میکرد و با خرما به دهان بچه ها می گذاشت و با مهر و محبت پدرانه ای لقمه بر دهان کودکان می گذاشت و هر بار می فرمودند از خدا بخواهید که علی را ببخشد خمیر که آماده شد امیرالمومنین تنور را هیزم کرد و شعله ور ساخت و چهره مبارک خود را نزدیک دیگ می آورد و به خود خطاب می کرد **یا علی آتش دنیا را می بینی چه سوزان است بدان که آتش آخرت بسیار سوزان تر است** در این میان زنی از زنان همسایه که امام را می شناخت وارد شد و به مادر کودکان نهیب زد وای بر تو میدانی این آقا کیست این پیشوای مسلمین زماندار کشور علی بن ابیطالب است زن که از گفتار خود شرمنده بود با شتابزدگی گفت یا امیرالمومنین از شما خجالت میکشم مرا ببخش اما علی علیه السلام با تواضع و فروتنی زیادی فرمودند شما ببخشید که تاکنون مشکلات شما را حل نکرده بودم از خدا بخواهیم که علی را مورد بخشش و عفو خود قرار بدهند

## سفر به نجف

دانستی‌هایی

در مورد شهر نجف اشرف

نجف اشرف در ۱۷۷ کیلومتری جنوب غربی بغداد قرار دارد و

فاصله آن تا کوفه ۸ کیلومتر است

این شهر در کنار دریای نجف قرار دارد و نام آن نیز برگرفته ازین دریای خشک است

نجف از دو واژه نی و جف تشکیل شده

نی یعنی دریای خشک شده، از نظر لغت نجف به معنای تپه بلندی است که آب از آن بالا نمی رود

با معلوم شدن مرقد حضرت علی (ع) در آخر قرن دوم هجری شیعیان در نجف جمع شدند و آن را آباد کردند

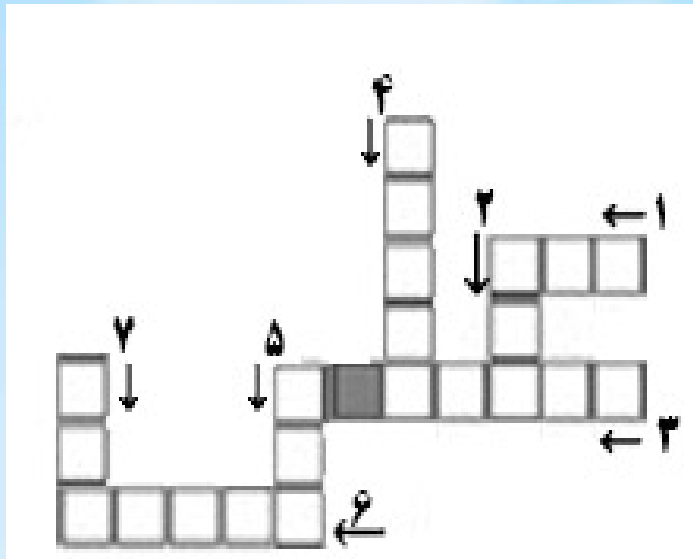
نجف با اینکه از کوفه گرمترست ولی بخاطر بارگاه امام علی (ع) جمعیت بیشتری دارد

فرزندان حضرت علی (ع) پس از کاوش قبری را دیدند که آماده بود و بر لوح آن نوشته شده بود این قبری است که آن را نوح برای جسد پاک علی فراهم کرده است

عبای نجفی معروف می باشد

و بازرگانی نجف رونق فراوانی دارد

نازنین زینب حیدری / پایه پنجم



- ۱ امام هادی امام چندم شیعیان می باشد؟
- ۲ به سوره هایی که در مکه نازل شده می گویند؟
- ۳ محل تولد امام هادی علیه السلام
- ۴ تولد امام هادی در کدام ماه قمری است؟
- ۵ نام قدیمی شهر مشهد
- ۶ مزار امام هادی علیه السلام در این شهر می باشد؟
- ۷ نام مبارک پدر بزرگ امام هادی علیه السلام

زهرا توحیدلو / پایه چهارم





نیکی شوشتری / پایه اول



1:10



3:36



## حریف می طلبم

روزی از روزهای خدا دشمنان به لشکر حضرت محمد(ص) حمله کردند اول یکی از مردمان پر زور نزدیک لشکر شد و حریف طلبید، چند نفری به جنگ و مبارزه طلبی آمدند اما پیروز نشدند. حضرت محمد(ص) چند بار پرسید؟ چه کسی آمادگی مبارزه با این مرد را دارد؟ اما جز علی علیه السلام کسی جواب نداد.

بدین ترتیب حضرت علی علیه السلام وارد میدان جنگ شد بعد از چند دقیقه جنگ پای دشمن از طرف حضرت علی(ع) زخمی شد حضرت از کنار دشمن که بر روی زمین افتاده بود گذشت که دشمن آب دهان را به صورت حضرت پرتاب کرد اما حضرت به راه خود ادامه داد دشمن از حضرت پرسید: پس چرا بعد از پرتاب آب دهانم مرا نکشتی حضرت پاسخ دادند من برای خداوند جنگیدم اگر تو را می کشتم از خشم آب دهانت بود

شمیم ابوترابی / پایه سوم

## دلنوشته

سلام بر گل نیمه شعبان  
گلی که آرزوی شکفتنش را داریم  
گلی خوشبو و زیبا . گلی که همه چشم به راهش هستیم  
میدانم که شاید آرزوی همه باشد  
که به زودی کرونا از بین برود  
و امید ما به شما و خدا است ، تا دعا هایمان را برآورده کنید

مامان مهربونم فیلی منو دوست داره  
می‌گه می‌فوام یه راز و بهت بگم دوباره  
یکی تو این جهان هست که فیلی مهربونه  
از من و بابا بیشتر قدر تو رو میدونه  
امام آفر ماست  
پناه آسموناست  
ماه زمین، گل نرگس دینه  
اون که امام ما و همت روزگار  
ذفیره فداوند تو عصر انتظاره  
دعا کن وقت سفر بیار اون، سایه سر  
ناچی دنیا، گل نیمه شعبان  
ان

محبامویدخواه/پایه سوم



اهام باقر عليه السلام فرمودند

تو را به پنج چیز سفارش می کنم  
اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن ،  
اگر به تو خیانت کردند خیانت مکن ،  
اگر تکذیب کردند خشمگین مشو ،  
اگر مدحت کنند شاد مشو ،  
و اگر نکوهشت کنند ، بیتابی مکن

صحیحی فلاحتی / پایه سوم